

بخش دوم – از «موج نو»...

فصل نهم – دلایل انتخاب واژه ی «حجم»

اما هنوز هم به دلایل انتخاب واژه «حجم» در نام این نوع شعر پی نبرده ایم. یعنی، اگر بپذیریم که بین واقعیت و ماوراء واقعیت «فاصله» ای وجود دارد که شاعر از روی آن «جست می زند»، نمی دانیم که چرا باید این فاصله را به صورت يك «حجم» تصور کنیم؟

واقعیت آن است که در بیانیه، و برای انجام این کار خاص، شگرد غیرعلمی و غیر منطقی ی تازه و جالبی به کار رفته است. به نظر می رسد یکی از شرکت کنندگان در جلسه نگارش «بیانیه شعر حجم»، که یقیناً از علم هندسه، و به خصوص هندسه فضائی، با خبر بوده، پیشنهاد کرده است که «ادات تشبیه» را «ابعاد تصویر» بخوانند. و همین نکته ساده و صرفاً قراردادی، راه را بر نوعی مکتب سازی ی نوین گشوده است که تئوری را نه از راه استدلالات منطقی مربوط به شعر، بلکه از طریق جدا شدن از موضوع و پیش کشیدن استدلالات مربوط به هندسه مسطحه و فضائی، به

دست می آورد.

صورت قضیه آن است که در دست داشتن واژه «بُعد» به نویسندگان بیانیته امکان آن را داده است تا بتوانند، هرگاه که شاعر یکی از «ادات تشبیه» را ساقط کرد، بگویند که او از روی يك «بُعد» پریده است. بر اساس این قرارداد وضعی، تصویری هم که از راه حذف یکی از ادات تشبیه به دست می آید «تصویر تك بُعدی (یا خطی)» خوانده می شود. حال اگر دو تا از ادات ساقط شدند، به خاطر اینکه شاعر از دو «بعد» پریده است، نتیجه حاصله را می شود «تصویر دو بُعدی (یا مسطح» یا دارای طول و عرض، یا نتیجه عبور از «سطح»)، دانست. و بالاخره اگر شاعر از روی سه تا از این ابعاد جست زده باشد حاصل کسارش می شود «تصویر حجمی (یا سه بُعدی، یا دارای طول و عرض و ارتفاع)». بیانیته استدلال می کند که چون شاعران گروه «شعر حجم»، در شعرشان، از روی سه بُعد می پرند پس شعرشان شعر حجم است. به همین سادگی، بیانیته می گوید که شاعر حجم «هر مظهري را که انتخاب کند، از بُعدی که بین واقعیت و آن مظهر منتخب است با يك جست می پرد، و از هر بعد که می پرد از عرض، از طول، و از عمق می پرد. پس از حجم می پرد، پس حجم گراست. و چون پریدن می خواهد، به جستجوی حجم است».

می بینید که چگونه، بر اساس يك قرارداد دلپذیر، اسم «ادات تشبیه» شده است «ابعاد تصویر» و بر اساس این تفسیر نام استدلال شده است که، بین «واقعیت» و «علت غائی ی واقعیت»، فاصله ای سه بُعدی، یا يك حجم، قرار دارد که شاعر حجم از روی آن به سوی علت غائی می پرد تا به دریافت های مطلق و فوری برسد؛ مشکلی که اغلب شعر دوستان در مورد بیانیته شعر حجم، و نه خود آن نوع شعر، دارند به همین اختلاط

تئوری ی شعر با تئوری ی هندسه فضائی بر می گردد.

اما بیانیته حجم به این خلط مبحث اکتفا نمی کند. نویسندگان بیانیته، بلافاصله بنیاد هندسی ی تئوری سازی ی اختیاری ی خود را به دست فراموشی سپرده اند. آنها، بی آنکه توجه کنند که در هنرهای دیگر خبری از «ادات تشبیه» نیست که بتوان با حذف آنها به «حجم» رسید، آغاز مکتب عمومی و نوظهور «حجم گرایی» را اعلام داشته و هنرمندان رشته های دیگر را هم به پیوستن به این مکتب دعوت کرده اند.

در عین حال، از آنجا که، به قول بیانیته، «حجم گرایی خطابی جهانی دارد»، لازم بوده است که برای نام آن در زبان های فرنگی نیز معادلی یافت. در اینجا صلاح چنین دیده شده که واژه «حجم» را نه به volume (که ربط این واژه را با هندسه فضائی معلوم می کند) بلکه به space (به معنی ی «فضا») برگردانند و از این واژه هم به spacing برسند و spacemental را بسازند و به کمک آن به نام مکتب خود، یعنی Spacementalism دست یابند.

این گونه است که «سورج نوی مشکل گو» برای خود نام و تئوری ی خاصی را جعل کرده و از این رهگذر مدعی ی آفرینش يك مکتب تازه هنری می شود. بیانیته با غرور تمام می گوید: «اسپاسمانتالیسم، سورئالیسم نیست. فرقی [با سورئالیسم] این است که [اسپاسمانتالیسم] از سه بعد به ماوراء می رسد. [این دو مکتب] در این رسیدن فقط در يك جا با هم ملاقات می کنند: در جهیدن از طول، گرچه در اینجا هم جست فوری تر است... حجم گرایی (Spacementalism) سبک شعر دیگر ایران است. صفت عصر است و خطابی جهانی دارد، و چون صفت عصر

دلایل انتخاب واژه «حجم»

۱. این جمله از لحاظ علم هندسه غلط است. حجم مساوی يك بُعد نیست.

۲. «بیانیته شعر حجم» در: یدالله رویائی، از زبان نیما تا شعر حجم (هلاک عقل به